

تبیین نقش مادر در تربیت دینی فرزندان در خانواده

راضیه زاهدی^۱

چکیده

تربیت یکی از مقولات حیاتی در زندگی بشر است که سعادت دنیوی و اخروی فرد، خانواده و جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر اساس تعالیم اسلام، تربیت دینی می‌تواند زمینه تحقق چنین سعادت‌هایی را برای انسان فراهم کند. اهمیت این مسئله پژوهشی سبب شد که در این مقاله با بهره بردن از روش کیفی (توصیفی-تحلیلی) و با استناد بر منابع روایی و تعالیم قرآنی، به بیان و تبیین نقش مادر در تربیت دینی فرزندان در خانواده بپردازیم. نتایج حاصل از این پژوهش، گویای آن است که مادران، به جهت رابطه زیستی و عاطفی منحصر به فردی که در دوران حمل و شیرخوارگی کودک خود دارند، در تربیت دینی آنان نیز نقش اساسی ایفا می‌کنند؛ زیرا هر فردی، علاوه بر تأثیرات وراثتی و خونی، از تمامی افکار، اعمال، عواطف و خلیات مادر خویش نیز متأثر می‌گردد. لذا مادر به عنوان نخستین مربی انسان در خانواده، می‌تواند بر مبنای فطرت و سرشت انسانی فرزندش، بذل اعتقاد و ایمان به خداوند را در وجود او بارور و شکوفا کند. همچنین با آموزش و تعلیم احکام و تکالیف دینی از سنین خردسالی، آنان را برای سن بلوغ و انجام تکالیف شرعی آماده سازد یا با التزام عملی به اخلاق و دوری از امور غیراخلاقی، بهترین الگو و سرمشق برای فرزندان خویش در خانواده باشند.

کلیدواژه‌ها: مادر، تربیت دینی، خداآواری، تکالیف دینی، التزام اخلاقی

۱. گروه تاریخ و حکمت، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، میدان ورک - افغانستان.

ایمیل: zahediraziya18110@gmail.com

مقدمه

تربیت از حیاتی‌ترین مقوله‌های زندگی انسان است که تمام سامان‌ها و نابسامانی‌ها، صلاح‌ها و فسادها، سعادت‌ها و شقاوت‌های یک فرد و جامعه، بدان وابسته است. این امر نیز به جهت خلقت ویژه انسان است که هم‌زمان مستعد پذیرش امور نیک و بد است. لذا تنها از طریق شیوه‌های تربیتی صحیح و انسان‌ساز است که آدمی می‌تواند به کمالات وجودی، راستی در اندیشه و استواری در عمل، دست یابد. (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵: ۱۳۴) از همین رو خداوند حکیم، رسولان و انبیای خویش را برای هدایت انسان‌ها، فرستاد تا به بدین وسیله، برنامه تربیتی و هدایت‌گر خویش را در قالب دین و فرمان‌های دینی، در اختیار آنان قرار دهد. توجه به این مسئله از یک‌سوی گویای این حقیقت است که سعادت و کمال حقیقی انسان در گرو تربیت دینی و هدایت الهی است و از سوی دیگر بر نقش پررنگ مربیان در سرنوشت انسان تأکید دارد. لذا می‌توان مدعی بود که هر فردی که در مسیر تربیت دینی انسان‌ها گام بردارد و بدین وسیله آنان را از پلیدی‌ها، گمراهی‌ها و غرق شدن در هوای نفسانی و زندگی مادی نجات دهد، در حقیقت چون انبیای الهی، گامی در مسیر تحقق اهداف الهی، برداشته است.

اولین مربی انسان در زندگی «مادر» است. لذا زن به‌عنوان مادر، علاوه بر زندگی و حیات بخشیدن به فرزند خود، می‌تواند نقش بی‌بدیلی نیز در زندگی و سرنوشت او ایفا کنند. تا آنجا که می‌توان مدعی بود، شالوده شخصیت انسان و سعادت و شقاوت یک خانواده و جامعه، همه متأثر از فاعلیت مادر در امر تربیت و پرورش فرزند است. چنانکه امام خمینی (ره) در این رابطه می‌گوید:

شغل تربیت فرزند ... از همه شغل‌ها بالاتر است، اگر یک فرزند خوب تحویل جامعه بدهید، برای شما بهتر از همه عالم است. اگر شما یک انسان تربیت کنید، برایتان به قدری شرافت دارد که من نمی‌توانم بیان کنم. (خمینی، ۱۳۸۵، ۷: ۷۶)

آن قدری که اخلاق مادر در فرزند تأثیر دارد و به او منتقل می‌شود، از دیگران عملی نیست، مادران مبدأ خیرات هستند... یک مادر می‌تواند یک فرزند نیکو را تربیت کند و آن فرزند یک امت را نجات دهد. (همان، ۱۶۲/۸)



بنابراین اهمیت این مسئله پژوهشی سبب شد که در این مقاله به تبیین جایگاه و نقش مادران در تربیت دینی فرزندان در خانواده پردازیم. برای رسیدن به این مقصود نیز تلاش می‌شود، پس از روشن ساختن مفهوم تربیت دینی از لحاظ لغوی و اصطلاحی، جایگاه و اهمیت تربیت دینی را از منظر اسلام روشن نماییم. لذا پس از بیان مقدمات مذکور، به بیان و تبیین نقش مادر در تربیت دینی فرزندان در خانواده، خواهیم پرداخت. این نقش را نیز ابتدا به طور کلی و در قالب فرایند و مراحل تربیت دینی از منظر اسلام، پی خواهیم گرفت و در ادامه به طور خاص، به نقش و وظیفه مادران در خداآوری فرزندان، آموزش تکالیف دینی و التزام اخلاقی فرزندان، خواهیم پرداخت.

۱. مفهوم شناسی

«تربیت دینی» از دو واژه «تربیت» و «دین» ترکیب شده است. لذا ضروری است که برای دست یافتن به معنای تربیت دینی، ابتدا این دو واژه را از لحاظ مفهومی و اصطلاحی بررسی کنیم.

۱-۱. تربیت

واژه تربیت از ریشه لغوی «رب» به معنای ایجاد تدریجی موجود تا رساندن وی به حد نهایی کمال است. (راغب اصفهانی، بی تا: ۲۳۶) همچنین برخی از لغت‌دانان معتقد هستند این واژه از ریشه «ربو» و به معنای زیاد شدن، رشد یافتن، علو و ارتقاء است. (ابن فارس، ۱۴۲۹: ۴۸۳) تربیت در اصطلاح نیز به معنای، برانگیختن و فراهم آوردن موجبات رشد، پرورش و شکوفایی استعدادها، توانایی‌ها و قابلیت‌های انسان، برای رسیدن به کمال و سعادت مطلوب است. (بهشتی، ۱۴۰۱: ۳۵)

۲-۱. دین

واژه دین در لغت به معنای کیش، آیین، طریقت و شریعت است (دهخدا، ۱۳۷۳، ۷: ۱۰۰۴۲) و در اصطلاح به مجموعه‌ای از عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی گفته می‌شود که از جانب خداوند برای اداره امور جامعه و پرورش انسان‌ها، ارسال شده



است (جوادی آملی، ۱۳۷۳: ۹۳-۹۵) تا به وسیله آن به سعادت دنیوی و اخروی دست یابد. (طباطبایی، ۱۳۷۸: ۲: ۱۸۲)

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مفهوم «تربیت دینی» عبارت است از مجموعه‌ای از اعمال عمدی و هدف‌دار، به منظور آموزش گزاره‌های معتبر یک دین به افراد دیگر، به نحوی که آن افراد در عمل و نظر به آن آموزه‌ها متعهد و پایبند گردند. (داودی، ۱۳۸۳: ۲: ۲۶)

۲. تربیت دینی فرزندان از منظر اسلام

با مراجعه به قرآن کریم در می‌یابیم که در این کتاب الهی، از فرزند در خانواده با عناوین و تعبیر زیبایی چون «نور چشم»، (فرقان: ۷۴) زینت بخش زندگی، (کهف، ۴۶) اسباب آزمایش و امتحان آدمی، (انفال: ۲۸) و... یاد شده است. پیامبر اکرم (ص) نیز فرزند را گلی از گل‌های بهشت، جگرگوشه مؤمن^۱ و اسباب رحمت و مغفرت الهی برای والدین، می‌داند.^۲ تا جایی که نگاه محبت‌آمیز پدر به فرزند خویش را، عبادت می‌خواند. (محدث نوری، ۱۴۰۸، ۱۵: ۱۷۰) بنابراین چنین تعبیری جملگی گویای این حقیقت است که در جهان‌بینی اسلامی، فرزندان در خانواده از منزلت و جایگاه والایی، برخوردار هستند. از همین رو والدین نیز در قبال تربیت و پرورش فرزندان خویش وظیفه بسیار سنگینی دارند.

همچنین از منظر اسلام، تربیت دینی نقش کلیدی در توسعه معنوی و کمال معرفتی یک جامعه دینی ایفا می‌کند. به گونه‌ای که هرگونه کاستی و کوتاهی در این امر نیز می‌تواند اختلالات و نابهنجاری‌های جبران‌ناپذیری را در پرورش دینی نسل‌های آینده در این جامعه، داشته باشد. اهمیت این مسئله از آن روی است که تربیت در انسان به طور تصاعدی تأثیر می‌گذارد. به این معنا که تأثیر تربیت تنها در فرد مورد تربیت، محدود نمی‌ماند؛ بلکه تربیت صحیح یا غیر صحیح یک فرد می‌تواند، تمام

۱. إِنَّ الْوَلَدَ الصَّالِحَ رِجَالَةٌ مِنْ رِجَالِ الْجَنَّةِ. (کلینی، بی تا، ۲: ۶) أَوْلَادُنَا أَكْبَادُنَا، صَغَرَاوُهُمْ أَمْرَاوُنَا، وَكَبَرَاوُهُمْ أَعْدَاوُنَا، فَإِنْ عَاشُوا

فَتَثْنُونَا، وَإِنْ مَاتُوا أَحْزَنُونَا»، (محمدی ری‌شهری، ۱۴۳۴، ۱: ۶۱۲)

۲. اَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يُغْفَرْ لَكُمْ. (حر عاملی، ۱۴۰۳، ۱۵: ۱۹۵)



اعضای خانواده، اطرافیان، جامعه و حتی نسل های آینده وی را تحت تأثیر خود قرار دهد. (شکوهی، ۱۳۷۸: ۳۲)

از منظری دیگر، هر انسانی در زندگی خویش نیازمند پشتوانه های فکری و معنوی مستحکمی است که در هنگامه سختی و تزلزل، بتواند به آن تکیه کند. حال آنکه در طول تاریخ بشر، ایمان به خدا و عمل به آموزه ها و ارزش های دینی، توانسته است نقش این پشتوانه های مستحکم را در برای انسان ایفا کند؛ زیرا اساساً زندگی انسان در جهان مادی، همواره با انبوهی از کاستی ها، تراحم ها و تناقض های گریزناپذیر همراه است. در این میان ایمان و پابندی به آموزه های دینی، علاوه بر معنا بخشیدن به حیات انسان، می تواند تسلی بخش رنج ها و کاستی ها و التیام بخش شکست ها و ناکامی های زندگی مادی باشد.

البته چنین ایمانی تنها در سایه دین و تربیت دینی، تحقق می یابد؛ زیرا در تربیت دینی، هدف آن است که رابطه مستحکمی بین انسان و خدا به عنوان مبدأ هستی، ایجاد گردد. به گونه ای که آدمی سراسر وجود و هستی خویش را متصل به خداوند بیابد و در رفتار و کردار خویش نیز، همواره خواست و رضایت الهی را در نظر داشته باشد. لذا باید احکام و آموزه های دینی را بیاموزد و حیات مادی و معنوی خود را بر مبنای آن جهت دهد. (ر.ک: هاشمی، ۱۳۸۸: ش ۵۹ و ۶۰)

بنابراین اگر والدین به عنوان نخستین مربیان انسان، فرزندان خویش را به طور صحیح تحت تربیت دینی قرار دهند و پایه های مستحکمی برای اندیشه و عمل آنان ایجاد کنند؛ بدون تردید این عمل تربیتی، علاوه بر تأمین کردن سعادت اخروی فرد و جامعه دینی، می تواند سامان بخش زندگی دنیوی آنان نیز باشد.

۲. جایگاه مادر در تربیت فرزند

محیط خانواده همانند سرزمینی حاصلخیز و فرزندان همانند گل های شادابی هستند که در آن رشد و پرورش می یابند؛ اما باید متذکر شد، هرچند والدین هر دو در پرورش فرزندان خویش سهیم هستند، ولی سهم مادر در تربیت و شکوفایی فرزند



بسیار مؤثرتر و حیاتی‌تر است. شاید از همین رو است که پیامبر اسلام (ص) در تبیین جایگاه والای مادر می‌فرماید: «بهشت زیر پای مادران است» یا امام علی (ع) به‌صراحت، مادر را سازندهٔ فرزند دانسته و می‌فرماید: «الولد مطبوع علی امه». (تمیمی، ۱۴۱۰: ۷۶) نقش مادر در تربیت دینی فرزند از دو جهت حائز اهمیت است: نخست آن‌که هر کودک به‌طور معمول، سال‌های اولیهٔ حیات خود را که نقش بسزایی در رشد جسمانی، روانی و شخصیتی انسان دارد، در کنار مادرش می‌گذراند. از همین رو نیز مادران در شکل‌گیری عادت‌ها، صفات و خلیات فرزندان، نقش بسیار مهمی دارند. ثانیاً زن به‌عنوان مادر به جهت محبت و عاطفهٔ مادرانه، بهترین پناهگاه برای فرزندان خویش است. از همین رو، اگر کودکی احساس ناامنی کند، ابتدا به مادر خود پناه می‌برد و احساس امنیت را در آغوش وی جستجو می‌کند. حال آنکه امروزه بسیاری از روان‌شناسان معتقدند که دریافت حس امنیت در دوران کودکی به‌واسطهٔ مادر، نقش بسیار پررنگی در سلامت روانی و رفتاری انسان در بزرگسالی دارد. بی‌گمان از همین رو است که قرآن کریم انسان‌ها را به تکریم و بزرگ داشت والدین به‌خصوص مادران، سفارش می‌کند و می‌فرماید:

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ؛ (لقمان: ۱۴) سفارش کردیم به انسان، نسبت به والدینش و (مخصوصاً) مادرش که او را در حالت سنگینی روی سنگینی حمل کرد.

در نتیجه می‌توان گفت که مادران به جهت عاطفه و ارتباط خاصی که با فرزند خود در سال‌های اولیهٔ زندگی وی دارد، در امر تربیت دینی نیز بیش از سایر مربیان، می‌توانند تأثیرگذار باشند و باورها، اعمال و اهداف آنان را بر مبنای آموزه‌های دینی جهت ببخشند. دوران طلایی که ذهن کودک بسیار پذیرنده است و فطرت الهی در وجود او بیدار و هدایت‌گر است. (قائمی، ۱۳۷۷: ۱۵۴)

۳. نقش مادر در فرایند تربیت دینی فرزندان

تربیت یک فرایند مستمر است و مراحل مختلفی دارد. در منابع دینی نیز، برای تربیت



فرزندان حداقل سه مرحله بیان شده است. برای مثال رسول گرامی اسلام (ص) تربیت دینی فرزندان را به سه دوره‌ی هفت‌ساله‌ی «سروری و فراغت»، «اطاعت و تعلیم کتاب» و «وزارت و تعلیم حرام و حلال»، تقسیم می‌کند.^۱ البته باید توجه داشت که حضرت رسول اکرم (ص) در این احادیث، به مراحل تربیت بعد از تولد کودک، اشاره دارد. حال آنکه برنامه‌ی تربیتی اسلام بسیار فراتر از آن است و باید شروع این فرایند را در دوران قبل از تولد کودک؛ یعنی مرحله‌ی انتخاب همسر و دوران بارداری، جستجو کرد. لذا برای تبیین نقش مادر در تربیت دینی فرزندان، ابتدا به بیان این دو مسئله خواهیم پرداخت:

۳-۱. انتخاب همسر

از منظر اسلام، نخستین گام در تربیت فرزند، انتخاب همسر است؛ زیرا انتخاب همسر مناسب، می‌تواند زمینه‌های شکل‌گیری کانون تربیتی فرزندان را در خانواده فراهم آورد. زن و شوهر ارکان اصلی خانواده هستند و اگر این دو از لحاظ جسمی، روانی و معنوی، سلامت باشند، بخش مهمی از تربیت دینی فرزندان در آن خانواده، سامان یافته و تضمین شده است. (حسینی زاده، ۱۳۸۴: ۴۴)

توجه به این مسئله در سخنان معصومین (ع) نیز وجود دارد و ایشان به دقت در همسرگزینی و ازدواج، به‌عنوان امری که سبب رعایت حق فرزندان در آینده می‌گردد، توصیه کرده‌اند. البته در منابع دینی دقت در همسرگزینی، در انتخاب زن به‌عنوان همسر، بیش از انتخاب شوهر است که خود حاکی از اهمیت و نقش تأثیرگذار زن در خانواده است. چنانکه رسول گرامی اسلام (ص) بیان می‌کنند: «انظر فی ای شی تضع ولدک فان العرق دسأس؛ نگاه کن فرزندت را در کدام رَحم قرار می‌دهی، چراکه اصل و ریشه، بسیار تأثیرگذار است». (المتقی، ۱۴۱۹: ۱۵)

همچنین امام علی (ع) در این خصوص می‌فرماید: «ایاکم و تزوج الحمقاء فان محبت‌ها بلاء و ولدها ضیاع؛ از ازدواج با زنان کم‌عقل پرهیزید زیرا معاشرت با آنان دردسر و فرزندانشان تباه است». (طوسی، ۱۳۶۴: ح ۱۶۰۳)

۱. الغلام یلعب سبع سنین و یتعلم الکتاب سبع سنین و یتعلم الحلال و الحرام سبع سنین. (جرعاملی، ۱۴۰۳، ۱۵: ۱۹۴) أُولَئِكَ سَيُدَّعِيَنَّ سَبْعَ سِنِينَ وَ عُبْدُ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ. (طبرسی، ۱۳۸۶، ۲: ۲۲۲)



۲-۳. دوران بارداری

دوران بارداری، دومین گام در زمینه‌سازی تربیت دینی از منظر تعالیم اسلام است. در اهمیت این مسئله پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «الشقی من شقی فی بطن امه و السعید من سعد فی بطن امه؛ بدبخت در رحم مادرش بدبخت شد و سعادتمند در رحم مادرش سعادتمند شد». (پاینده، ۱۳۸۲: ۲۷۰)

این حدیث دوران بارداری را زمینه‌ساز سعادت و شقاوت انسان معرفی می‌کند. دورانی که به‌شدت متأثر از مادر است؛ زیرا با انتقال نطفه، نقش پدر در جنبه‌های وراثتی فرزند، پایان می‌پذیرد، ولی مادر حداقل تا نه ماه در دوران بارداری و حتی پس از تولد تا دوسالگی این رابطه را با فرزند حفظ می‌کند. بر اساس تحقیقات علمی، تمام غذاها و داروهای که مادر در دوران بارداری می‌خورد و نیز تمام افکار و اندیشه‌ها، اخلاق، عواطف و احساسات مادر چون اضطراب، ترس، خشم و کینه، می‌تواند بر کودک اثرات مثبت و منفی ماندگاری بگذارد. از همین رو پیامبر اسلام (ص)، مبنای سعادت و شقاوت انسان را در رحم مادر می‌داند. (حسینی، ۱۳۸۲: ۶۰) بنابراین زمانی که کودکی متولد می‌شود، در حقیقت دو مرحله مهم از فرایند تربیت دینی را پشت سر گذاشته است. مرحله‌ای که از لحاظ ژنتیکی، خلقی و روانی مؤثر بوده و بر سایر مراحل تربیت دینی، تأثیرگذار است.

۴. مراحل تربیت دینی فرزند

۴-۱. هفت سال نخست

بر اساس منابع روایی، هفت سال نخست حیات انسان، دوران ریاست، فراغت و محبت است. در این مرحله نیز نقش مادر در تربیت دینی کودک، بسیار حائز اهمیت است؛ زیرا پس از تولد کودک، دوران شیرخوارگی او آغاز می‌شود. در این دوران ارتباط جسمی و معنوی بسیار مستحکمی میان مادر و کودک شکل می‌گیرد؛ زیرا عمل شیردهی مادر به کودک، تنها جنبه تغذیه‌ای ندارد، بلکه سبب احساس امنیت و برقراری تعادل عاطفی و روانی در کودک می‌گردد. از همین رو بهترین زمان



برای شکل دادن و پایه‌گذاری عادات و اخلاق نیکو در فرزندان، نخستین سال‌های زندگی آن‌ها است؛ زیرا محبت و عاطفه از نیازهای فطری و مبنایی انسان است و برطرف کردن نیازهای عاطفی کودک به‌واسطهٔ مادر، می‌تواند نقش بسیار مؤثری در سلامت رفتاری، اخلاقی و روحیهٔ حقیقت‌طلبی فرد در دوران نوجوانی و بزرگسالی داشته باشد. (قائمى، ۱۳۷۷: ۷۱)

۲-۴. هفت سال دوم

بر اساس روایات و تعالیم دینی، هفت سال دوم حیات انسان، دوران تأدیب و آموزش است. در این دوران شناخت و درک کودک نسبت به نیکی‌ها و بدی‌ها، گسترش می‌یابد و با ورود به مدرسه و ارتباط گرفتن با هم‌سالان خویش، ارتباط وی با مادرش اندکی کاهش می‌یابد؛ اما از آن روی که تفکر استدلالی و رشد عقلانی آنان چندان رشد نیافته است، همچنان فرزندان نیازمند توجه، آموزش و تربیت مستقیم والدین به‌ویژه مادران هستند. (ر.ک. منصوری، نصیری، ۱۴۰۰: ش ۱۴)

۳-۴. هفت سال سوم

در فرایند تربیت دینی، هفت سال سوم، با بلوغ شرعی انسان آغاز می‌شود، لذا مهم‌ترین دورهٔ آموزش تعالیم دینی به فرزندان نیز است. موریس دبس در کتاب «مراحل تربیت» در رابطه با این دوره و ویژگی‌های منحصر به فرد آن می‌گوید: «در این دوران، نوجوانان به‌واسطهٔ ارتباطات اجتماعی گسترده و متنوعی که تجربه می‌کند، از لحاظ شخصیتی در جستجوی تعادل و تعاملات جدیدی می‌گردد. وابستگی‌های روانی‌شان به خانواده کاهش یافته و روابط جدیدی با والدین خود برقرار می‌سازد. نوجوانان در این دوران شیفتهٔ ارزش‌هایی اعم از ارزش‌های سیاسی، هنری، اخلاقی و دینی می‌شوند». (دبس، بی‌تا: ۱۸۷)

بنابراین در این مرحله، رفتار درست مادر و ایجاد محیط امن و آکنده از محبت، ملازمت و تکریم در خانواده، می‌تواند نقش مؤثری در شکل‌گیری شخصیت دینی و معنوی نوجوانان و جوانان ایفا کند. (فرزند وحی و حیدر نژاد، ۱۳۹۲: ۱۱۶) از همین



رو پیامبر اکرم (ص) همواره اصحاب خود را به رفتار نیکو با نوجوانان و جوانان سفارش می‌کرد و می‌فرمود: «اوصیکم بالشُّبَّانِ خیراً فَإِنَّهُمْ أَرْقُ أَفْئِدَةً إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي بِشیراً وَ نَذیراً...؛ شما را به نیکی با جوانان سفارش می‌کنم؛ زیرا نرم‌ترین دل‌ها را دارند».

(قمی، ۱۳۹۶، ۲: ۱۷۶)

۵. نقش مادر در خدا باوری فرزندان

فطرت نوع خاصی از آفرینش است که انسان را به درک و گرایش به حقیقت، خیر و نیکی و ارزش‌های انسانی سوق می‌دهد و در رأس امور فطری، اصل خدا باوری و خداپرستی که محور اساسی همه ادیان الهی محسوب می‌شود، قرار دارد. این امر حقیقتی است که خداوند در قرآن کریم بدان اشاره می‌کند و می‌فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّینِ حَنِیْفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِی فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْهَا لَا تَبْدِیلَ لِخَلْقِ اللَّهِ؛ پس روی خود را متوجه آئین خالص پروردگار کن، این سرشتی است که خداوند انسان‌ها را بر آن آفریده است و دگرگونی در آفرینش الهی نیست».

(روم: ۳۰)

لذا یکی از راه‌های درک و دریافت حقایق هستی و رسیدن به سعادت نهایی برای آدمی، توجه به اصل فطرت و سرشتی است که قابل دگرگونی و تغییر نیست؛ اما این اصل همگانی و تغییرناپذیر ممکن است به واسطه غفلت و مشغول شدن به امور دنیوی، به فراموشی سپرده شود. از همین رو فطرت آدمی، نیازمند مراقبت، توجه و تربیت است. در منابع دینی نیز، مهم‌ترین هدف انبیاء و مربیان الهی، زدودن غبار غفلت از فطرت آدمی و هدایت آنان بر مبنای فطرت خدا جوی و حقیقت طلب آنان، بیان شده است. امام علی (ع) در این رابطه می‌گوید: «خداوند پیامبران خویش را برانگیخت تا از مردم پایبندی به میثاق فطرت را طلب کنند و نعمت‌های فراموش شده خداوند را به یادشان آورند».

(نهج البلاغه، خ ۱)

پرورش فطرت انسان در خانواده، بر عهده والدین است. در این زمینه مادران می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشند؛ زیرا چنان چه پیش‌تر متذکر شدیم، در سال‌های اولیه حیات کودک که هنوز فطرت او با گناه و غبار غفلت حیات مادی



آلوده نگشته است، گرایش و پذیرش بیشتری در نهاد آنان نسبت به دریافت حقیقت وجود دارد. لذا مادران در سنین کودکی فرزندان خود می‌توانند، بذر خداباوری و ایمان و عشق به خالق هستی را در سرشت فرزندان، بارور و شکوفا کنند. (قائمی، ۱۳۷۷: ۱۵۵) همچنین بایبانی ساده و با بهره بردن از ابزار بازی، می‌توانند خداوند را به‌عنوان منبع نیکی‌ها و خیرات معرفی کنند. وقتی چنین بستری در اندیشه کودک به وجود آید، با افزایش آگاهی و درک عقلانی در سنین بالاتر، فرد می‌تواند این اندیشه را به اعتقاد و سپس به ایمان، تکامل بخشد.

همچنین شکل‌گیری اعتقاد و ایمان به خداوند در دوران کودکی، خود زمینه پذیرش و عمل به سایر اصول و فروع دینی چون اعتقاد به معاد، نبوت، وحی، احکام و اخلاق را نیز، فراهم خواهد کرد. (قائمی، ۱۳۷۶: ۵۸)

۶. نقش مادر در آموزش تکالیف دینی به فرزندان

آموزش تکالیف دینی یکی دیگر از ارکان تربیت دینی است که مادر در روند تربیت فرزند، باید به آن توجه داشته باشد؛ زیرا عبادت و انجام تکالیف دینی عالی‌ترین راه برای ارتباط انسان با معبود و دست یافتن به سعادت و کمالات معنوی است. البته باید توجه داشت، مادر به‌عنوان مربی، تنها زمانی می‌تواند در این مسئله تأثیرگذار باشد که خود در انجام تکالیف دینی، توجه و التزام لازم را داشته باشد؛ زیرا کودکان در سال‌های اولیه زندگی، رفتار و اعمال والدین خویش را تقلید و تکرار می‌کنند. بنابراین مشاهده و تقلید فرزندان از عبادات و تکالیف دینی چون نماز و حجاب که توسط مادر به‌صورت مداوم انجام می‌گیرد، سبب می‌شود، نوعی انس روحی و اهتمام عملی نسبت به انجام تکالیف دینی در ذهن آنان به وجود آید. از همین رو در منابع دینی توصیه شده است که فرزندان خود را پیش از رسیدن سن تکلیف شرعی، یعنی از حدود هفت‌سالگی، آموزش داده و به انجام آن‌ها، ترغیب و تشویق نمایید. لذا یکی از وظایف تربیتی مادر در قبال فرزند آن است که ضمن آموزش صحیح اعمال عبادی، چون قرائت قرآن، قرائت نماز، انجام وضو، گرفتن روزه و عمل به



حجاب ... به کودک خود، وی را با طعم شیرین عبادت و بندگی آشنا کند. بی‌گمان چنین آموزش‌هایی به فرزند کمک می‌کند تا در سن بلوغ و تکلیف، بدون سختی، بلکه با اشتیاق تمام، پذیرای انجام تکالیف دینی شود. (ر.ک. عساکره و دیبا، ۱۳۹۷: ۱۱ تا ۳۱)

۷. نقش مادر در التزام اخلاقی فرزندان

نقش مادر در تربیت اخلاقی فرزند بر همگان روشن است؛ زیرا چنانچه پیش‌تر نیز متذکر شدیم، کودکان بسیاری از الگوهای رفتاری، نگرش‌ها و خصوصیات اخلاقی والدین خود را به واسطه تقلید و همانندسازی، از آنان کسب می‌کنند. بنابراین الگودهی مناسب توسط مادر، تأثیر مستقیمی بر رشد و التزام اخلاقی فرزند دارد. البته در کنار الگودهی و همانندسازی، آموزش‌های آگاهانه مادر در خصوص ارزش‌های اخلاقی و تکرار و تمرین آن‌ها نیز، در تربیت اخلاقی فرزندان بسیار مؤثر است. چراکه بر مبنای علم اخلاق، با تکرار عمل اخلاقی و تمرین و مراقبت از نفس، می‌توان فضایل اخلاقی را به ملکات اخلاقی، تبدیل کرد.

همچنین استفاده از داستان‌های مناسب، در امر آموزش ارزش‌های اخلاقی، بسیار سودمند است. لذا مادران با انتخاب و گفتن قصه‌های خوب به فرزندانشان خود، می‌توانند فضیلت‌های اخلاقی را بر اساس زمینه‌های فطری کودکان رشد دهند و از طریق قهرمانان داستان‌های خویش، مفاهیم نیک و بد، زشت و زیبا، درست و نادرست را برای آن‌ها قابل فهم نمایند. روش‌هایی چون: گفتگو در خصوص مسائل اخلاقی با فرزند، مخالفت با رفتارهای ضد اخلاقی فرزند، توجیهات و استدلال‌های منطقی و عقلانی، از دیگر راه‌کارهایی است که مادر می‌تواند در تربیت دینی و التزام اخلاقی فرزند از آن بهره‌مند شود. (ر.ک. عساکره و دیبا، ۱۳۹۷: ۱۱ تا ۳۱)

نتیجه‌گیری

بر اساس تعالیم دین اسلام، فرزندان در خانواده از جایگاه متعالی برخوردار هستند و والدین نیز وظیفه سنگینی در امر پرورش و تربیت آنان برعهده دارند؛ زیرا اساساً مقوله



تربیت برای انسان، نقش قابل توجهی در رشد، سعادت و شقاوت فرد، خانواده و حتی جامعه دارد. بر مبنای تعالیم دین اسلام، بهترین نوع تربیت، تربیت دینی است؛ زیرا در چنین تربیتی هدف آن است که میان انسان و مبدأ هستی، رابطه تنگاتنگی برقرار گردد، تا بدین وسیله به کمالات روحی و معنوی دست یابد، حیات خویش را معنا و هدف بخشد و در میانه کوران حوادث، رنج‌های زندگی، به آن تکیه کند.

زن به عنوان یک مادر، اولین و تأثیرگذارترین، مربی کودک در امر تربیت دینی است. این حقیقتی است که در منابع دینی به آن اشاره شده و آن را فرایندی زمان‌بر و مرحله‌ای معرفی کرده است؛ زیرا مادر ارتباط و پیوند عاطفی و وراثتی ویژه‌ای با فرزند خود دارد و این پیوند ویژه در دوران حمل و شیرخوارگی بسیار مستحکم‌تر است. از این رو در کنار وراثت، سلامت روان، سلامت اخلاق و عادات رفتاری کودک، همگی متکی بر نوع تربیت و عملکرد مادر در خانواده است. بنابراین مادران وظیفه دارند بر مبنای فطرت و سرشت انسانی کودکان خویش، بذر اعتقاد و ایمان به خداوند را در وجود آنان، بارور و شکوفا سازند. همچنین با آموزش و تعلیم احکام و تکالیف دینی از دوران خورد سالی، آنان را برای سن بلوغ و انجام تکالیف شرعی آماده سازند و یا با التزام عملی به اخلاق و دوری از امور غیراخلاقی، بهترین الگو و سرمشق را برای فرزندان خود در خانواده، فراهم سازند.



فهرست منابع

قرآن

نهج البلاغه

۱. ابن فارس، احمد، (۱۴۲۹)، معجم مقاییس اللغة، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۲. اصفهانی، راغب، (بی‌تا)، مفردات الفاظ القرآن الکریم، قم: دارالکتاب العربی.
۳. بهشتی، محمد، (۱۴۰۱)، مبانی تربیت از دیدگاه قرآن، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه.
۴. پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۲)، نهج الفصاحه، تهران: دنیای دانش.
۵. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۳)، سعادت در آینه معرفت، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۰۳)، وسائل الشیعه، تهران: المکتبه الاسلامیه.
۷. حسینی زاده، علی، (۱۳۸۴)، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۸. حسینی، سید نعمت‌الله، (۱۳۸۲)، آینه خانواده: از خواستگاری تا همسر داری، تهران: عصر انقلاب.
۹. خمینی، روح‌الله، (۱۳۸۵)، صحیفه امام، قم: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۰. داودی، محمد، (۱۳۸۳)، سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) در تربیت دینی، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۱۱. دبس، موریس، (بی‌تا)، مراحل تربیت، مترجم: علی محمد کاردان، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۲. دلشاد تهرانی، مصطفی، (۱۳۸۵)، ماه مهرپرور (تربیت در نهج البلاغه)، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت (ع).
۱۳. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳)، لغت نامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.
۱۴. شکوهی، غلام حسین، (۱۳۷۸)، تعلیم و تربیت و مراحل آن، مشهد: آستان مقدس رضوی.



۱۵. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۷۸)، تفسیر المیزان، (ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی)، تهران: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۸۶)، مکارم الاخلاق، تهران: نشر حبيب.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن، (۱۳۶۴)، تهذیب الأحکام فی شرح المقنعة، تهران: دار الکتب الاسلامیه؛
۱۸. عساکره، هاجر، دیبا، حسین، (۱۳۹۷)، «نقش مادر در شکل گیری وجدان اخلاقی»، حوزه اخلاق، س ۸، ش ۳۱؛
۱۹. فرزند وحی، جمال، حیدر نژاد، طاهره، (۱۳۹۲)، «مراحل تربیت از دیدگاه قرآن، سنت و علم روان شناسی»، حسنا، س ۵، ش ۱۷.
۲۰. قائمی، علی، (۱۳۷۶)، پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان، قم: امیری.
۲۱. قائمی، علی، (۱۳۷۷)، نقش مادر در تربیت؛ تهران: سپهر.
۲۲. قمی، عباس، الهی خراسانی، علی اکبر، (۱۳۶۹)، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۳. کلینی، محمد بن یعقوب، (بی تا)، اصول کافی، قم: دارالحديث.
۲۴. المتقی، علی بن حسام الدین، (۱۴۱۹)، کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، بیروت: دار الکتب العلمیه.
۲۵. محدث نوری، حسین بن محمدتقی، (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: مؤسسة آل البيت (ع) الإحياء التراث.
۲۶. محمدی ری شهری، محمد، (۱۴۳۴)، منتخب میزان الحکمه، قم: دارالحديث.
۲۷. منصوری، زهره، نصیری، رقیه، (۱۴۰۰)، «نقش تربیتی مادر بر فرزندان با تأکید بر آیات و روایات»، پژوهش نامه فقهی حقوقی زنان و خانواده، ش ۱۴.
۲۸. هاشمی، سید حسین، (۱۳۸۸)، «چیستی و اهداف تربیت دینی»، پژوهش های قرآنی، ش ۹۵ و ۶۰.

